



تبیین همزیستی مسالمت‌آمیز با محوریت اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله

پوهنیار محمدهاشم صالحی

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات، پوهنتون دایکندی.

mh.salehi512@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0008-0281-4768>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

نامزد پوهنیار عصمت الله مدقق

دیپارتمنت فقه و قانون، پوهنځی شرعیات، پوهنتون دایکندی.

Esmatullahmodaqq@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0004-8079-3107>

نویسنده*

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

همزیستی مسالمت‌آمیز یکی از مسائل مهم در گفتمان دینی و اجتماعی است که همواره مطرح بوده است این مساله به طور خاص در جوامع که دارای تکثر فرهنگی، مذهبی و قومی است دارای اهمیت است. تبیین درست از همزیستی مسالمت‌آمیز با استفاده از باورهای دینی برای پیروان مذاهب بر اهمیت موضوع افزوده است. در میان امام‌های مذاهب اسلامی امام ابوحنیفه رحمه الله همواره به عنوان یک شخصیت معتدل و اهل مدارا شناخته شده است. که از مهم‌ترین نتایج اندیشه‌های او، تبیین همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه اسلامی است. همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام هدف تاکتیکی نداشته بل که با مبانی چون توحید، کرامت انسانی، عدالت و حفظ اساس دین بنا شده است. هدف از نگارش این مقاله تبیین همزیستی مسالمت‌آمیز و نقش اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله در آن است که با روش تحلیلی-توصیفی به تبیین همزیستی مسالمت‌آمیز و بررسی آراء نجات‌بخش امام ابوحنیفه پرداخته و نقش نظریات او را در تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع اسلامی برجسته ساخته است. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله در حمایت از همزیستی مسالمت‌آمیز قاطع بوده که در اندیشه و عمل تبارز نموده است.

کلید واژه‌ها: اعتدال، امام ابوحنیفه، اندیشه‌ی کلامی، مسالمت‌آمیز، همزیستی.

Explaining Peaceful Coexistence Based on the Theological Thought of Imam Abu Hanifa (may Allah have mercy on him)

Author * **Mohammad Hashim Salehi**
 Email Lecturer, Department of Islamic Education, Faculty of Sharia, Daikundi University
 mh.salehi512@gmail.com
 Orcid <https://orcid.org/0009-0008-281-4768>

Author **Esmatullah Modaqiq**
 Email Lecturer, Department of Fiqh and Law, Faculty of Sharia, Daikundi University
 Orcid Esmatullahmodaqiq@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0004-8079-3107>

Abstract

Peaceful coexistence is one of the important issues in religious and social discourse that has always been discussed. This issue is particularly significant in societies characterized by cultural, religious, and ethnic diversity. A proper explanation of peaceful coexistence based on religious beliefs has further increased the importance of this subject for followers of different schools of thought. Among the imams of the Islamic schools, Imam Abu Hanifa (may Allah have mercy on him) has always been recognized as a moderate and tolerant figure. One of the most important outcomes of his thought is the clarification of peaceful coexistence in Islamic society. Peaceful coexistence in Islam is not merely a tactical objective; rather, it is founded upon principles such as monotheism, human dignity, justice, and the preservation of the essence of religion. The aim of this article is to explain peaceful coexistence and the role of the theological thought of Imam Abu Hanifa (may Allah have mercy on him) in promoting it. Using an analytical-descriptive method, the study explains peaceful coexistence and examines the salvific views of Imam Abu Hanifa, highlighting the role of his theories in strengthening peaceful coexistence within Islamic societies. This research shows that the theological ideas of Imam Abu Hanifa strongly support peaceful coexistence, both in theory and in practice.

Keywords: Moderation, Imam Abu Hanifa, Theological Thought, Peaceful, Coexistence.

مقدمه

الحمدلله رب العالمین الصلاه و السلام علی رسوله الکریم و علی آله و اصحابه اجمعین. امام ابوحنیفه رحمه‌الله در زمانی زمام امور دینی را به دست گرفت که جهان اسلام کانون بروز جریان‌های کلامی گوناگون و مذاهب فقهی بود، چه بسا جریان‌های کلامی که گاهی از تکفیر سر بیرون می‌آورد، گروه خوارج نمونه بارز این جریان‌های است که صدمه قابل توجه به پیکر امت اسلامی وارد کرده و همزیستی مسالمت‌آمیز را برای مسلمانان تبدیل به یک آرزو کردند، از دیگر جریان‌های که با اندیشه‌های اکثر مسلمین در تضاد بود جریان کلامی معتزله و مرجئه بود که هر دو در جانب افراط و تفریط بود. (اشعری، ۱۳۸: ۱۴۰۰) در این مقطع خاص از زمان امام ابوحنیفه رحمه‌الله با دیدگاه‌های کلامی نجات‌بخش پا به میدان نهاد و جامعه نوپای اسلامی را با دیدگاه‌های کلامی نجات‌بخش و مذهب فقهی اعتدال‌گرا، قوام بخشید. امام اعظم امام ابوحنیفه رحمه‌الله با تبیین اصل تکفیر و اهل قبله مسلمان‌اند و تکفیر باید با معیارها و ضوابط شرعی صورت گیرد و نیز دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه‌الله در مورد تعریف و ارکان ایمان و عمل از ارکان ایمان نیست و در عین حال تأکید بر اعمال صالح، نه جانب خوارج را گرفته و نه جانب مرجئه را. (الاصفهان، ۱۴۲۷: ۱۷۹) امام اعظم رحمه‌الله نه تنها در باب عقیده، در باب فتاوی فقهی نیز آراء نجات‌بخش داشته و مسیر همزیستی مسالمت‌آمیز را برای مسلمانان هموار کرده است. در عصر حاضر که جهان اسلام مورد هجومه دشمنان واقع شده است و دشمنان از هر وسیله ممکن برای تضعیف مسلمانان، خصوصاً دولت‌های دارای نظام شرعی استفاده می‌کنند و یکی از ابزارهای دشمنان ایجاد اختلاف، تحریک فرقه‌های تکفیری، استفاده از جریان‌های تندرو و دامن زدن به جنگ‌های فرقه‌ای است، الهیات نجات‌بخش امام ابوحنیفه رحمه‌الله می‌تواند راه‌گشای برای تقویت اخوت و برادری، اتحاد و همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمان و وسیله‌ی تحکیم نظام‌های شرعی باشد.

تبیین مسأله

رابطه بین اندیشه و عمل یک رابطه وثیق و استوار است و نوعاً عمل از اندیشه سرچشمه می‌گیرد، اندیشه‌های کلامی از آن‌جای که منشأ الهی داشته و دارای آثار است، برای انسان مسلمان از اهمیت خاص برخوردار است. از جانب دیگر یکی از مشکلات اساسی در جوامع اسلامی بروز خشونت‌ها، نفرت‌ها و انزجارها بین گروه‌های در ظاهر مخالف هم است، این مسئله بیان‌گر بی‌خبری و یا حداقل بی‌توجهی افراد و گروه‌ها به داده‌های کلامی و اعتقادی است. اگر فاصله‌ها بین اندیشه و عمل از بین برده شود بخش بزرگی از مشکلات جامعه حل می‌گردد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: همزیستی مسالمت‌آمیز چیست و اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله در آن چه نقش دارد؟

پرسش‌های فرعی

۱. ابعاد همزیستی مسالمت‌آمیز کدام است؟
۲. مبانی و موانع همزیستی مسالمت‌آمیز کدام‌ها اند؟
۳. مهم‌ترین دیدگاه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله که در همزیستی مسالمت‌آمیز نقش دارد کدام‌ها اند؟

اهمیت تحقیق

اهمیت این تحقیق در زمان حاضر دارای اهمیت ویژه است، زمانی که جامعه بیشتر به هم‌گرایی، وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز دارد تبیین درست از همزیستی مسالمت‌آمیز با محوریت اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله که در بین مذاهب اسلامی تاثیر ژرف را در جوامع اسلامی داشته است می‌تواند جوامع را از خشونت رهانیده و به سمت وحدت و همگرایی سوق دهد. وحدت بین پیروان مذاهب اسلامی باعث حفظ کیان اسلام، اقتدار ملت‌های مسلمان و یأس دشمنان اسلام می‌گردد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: چگونگی همزیستی مسالمت‌آمیز با استفاده از اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله.

اهداف فرعی

۱. تبیین ابعاد همزیستی مسالمت‌آمیز
۲. تبیین مبانی همزیستی مسالمت‌آمیز
۳. تبیین موانع همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع اسلامی

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد همزیستی مسالمت‌آمیز و اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله مقالات و کتاب‌های زیادی تحریر یافته است، اما تحقیقی خاص در مورد ارتباط اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله با همزیستی مسالمت‌آمیز کدام تحقیق در دسترس نیست. تحقیقاتی که در دسترس است نوعاً کلی است و یا جزئی و در موضوعات خاص دیگر است که به بعضی موارد اشاره می‌گردد:

۱. احسان گودرزی مقاله نوشته است تحت عنوان بررسی آراء و مواضع کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله و تعامل ایشان با اهل بیت که در این مقاله به طور موردی از تعامل امام ابوحنیفه رحمه الله با

اهل بیت رضی الله عنهم بحث شده است. (تاریخ نامه گودرزی، سال نهم، شماره ۳۶ زمستان ۱۴۰۰)

۲. امام ابوحنیفه رحمه الله و عقیده شان، پایان نامه ماستری است که توسط فیض الله فیضان در سال ۱۴۰۰ شمسی در پوهنتون زاهدان ایران تحریر یافته است، در این تحقیق عقاید امام ابوحنیفه رحمه الله تبیین گردیده و ارتباط شان با همزیستی مسالمت آمیز بیان نشده است.

۳. الگوی همزیستی مسالمت آمیز با مخالفان بر اساس سبک زندگی اسلامی، این تحقیق توسط سیدمحمد امام تحریر یافته است در این تحقیق الگوهای ارایه شده اشاره به اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله ندارد. (دو فصلنامه علمی و پژوهش نامه سبک زندگی، سال هفتم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۰: ۶۱-۷۴)

۴. راهکارهای قرآنی همزیستی مسالمت آمیز ادیان، این مقاله توسط سیدعیسی مرحمتی تحریر یافته است، در این مقاله همزیستی مسالمت آمیز با ادیان مطرح شده و همزیستی میان مذاهب مطرح شده است. (دو فصلنامه علمی و تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال ۱. شماره ۱، تابستان ۱۳۹۶: ۳۰-۷)

روش تحقیق

تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، با استفاده از مطالعات کتاب‌خانه‌ی، تحلیل متون تاریخی و مذهبی، و بررسی آثار و نظرات اندیشمندان مرتبط با اندیشه‌های امام ابوحنیفه رحمه الله انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها؛ مطالعه متون اصلی امام ابوحنیفه رحمه الله تفاسیر و تحلیل‌های مرتبط به آن است. روش تحلیل داده‌ها به صورت تحلیل محتوا و تفسیری برای استخراج مفاهیم کلیدی مرتبط با همزیستی مسالمت‌آمیز صورت گرفته است.

نتایج و یافته‌ها

مفاهیم

الف) امام ابوحنیفه رحمه الله: امام ابوحنیفه؛ نعمان بن ثابت بن زوطی که از او به‌عنوان امام اعظم نیز یاد می‌شود، نخستین امام اهل سنت در عرصه فقه است که قبل از سایر ائمه اهل سنت (به استثنای امام مالک رحمه الله) به دنیا آمده است. محل تولد امام شهر کوفه یکی از شهرهای عراق نقل شده است، بنا بر بعضی از نقل‌ها اجداد امام اعظم در اصل خراسانی و اهل کابل بوده است، در مورد تاریخ ولادت امام بین سال‌های ۶۳، ۷۰ و ۸۰ اختلاف است اگرچه مشهور بین اهل تحقیق امام اعظم رحمه الله در سال ۸۰ هجری به دنیا آمده است، امام اعظم رحمه الله بعد از یک عمر مجاهدت علمی سرانجام در سال ۱۵۰ هجری در شهر بغداد از دنیا رحلت گزید. (ذهبی، ب ت: ۳۹۰/۶) از امام ابوحنیفه رحمه الله آثار علمی زیادی به یادگار مانده است که اکثراً بعد از

خودش توسط شاگردانش تحریر شده است. نمونه‌های از آثار علمی امام ابوحنیفه عبارت‌اند از الفقه الاکبر، الفقه الاوسط، العالم و المتعلم، الوصی، الرد علی القدریه و الارحاء.

ب) همزیستی مسالمت‌آمیز: همزیستی در لغت به معنی همزیستی دو فرد، قوم، دو گروه و یا دو ملت که به‌رغم داشتن تفاوت‌ها و اختلافات، زیست مسالمت‌آمیز و بدون خشونت دارند. (دهخدا، ۱۳۴۷). ذیل کلمه همزیستی) در زبان عربی از همزیستی به التعایش السلمی تعبیر می‌شود (سیاح، ۱۳۸۲: ۱۰۶) در تعریف اصطلاحی همزیستی مسالمت‌آمیز، به زیست توأم با همکاری، سازگاری و ارتباط متقابل با همدیگر اطلاق می‌گردد که به‌رغم وجود تفاوت‌ها جریان دارد. (بستانی، ۱۳۷۵: ۹۱)

در قرآن کریم همزیستی مسالمت‌آمیز به معنی همزیستی و زیست همراه با مدارا به‌دوراز پیروی از شیطان، در سایه توحید است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (البقره: ۲۰۸). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، به‌طور کامل در اسلام داخل شوید (در تطبیق همه احکام آن ادامه بدهید)، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، بی‌گمان او برای شما دشمن آشکار است» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۳۲) بنابراین همزیستی مسالمت‌آمیز در همزیستی مربوط به یک مجموعه که تحت یک قانون و نظام زیست می‌کند به این معنا است که مردم یک جامعه، با وجود مذاهب مختلف، عقاید گوناگون، و نژادهای مختلف با یکدیگر همزیستی عاری از خشونت داشته باشند که از لازمه آن امنیت، آرامش، رعایت حقوق دیگران، و عدالت اجتماعی است. تفاوت همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام با همزیستی نظام‌های مادی در این است که همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام با مبانی محکم و استوار چون کرامت انسانی، اندیشه توحیدی، اعتقاد به نبوت و معاد استوار است اما همزیستی مسالمت‌آمیز در نظام‌های مادی حالت‌های تاکتیکی دارد که صرفاً جهت کنترل اوضاع به کار برده می‌شود و ریشه در باورها ندارد. و نیز همزیستی مسالمت‌آمیز در اندیشه دینی صرفاً برای رفاه دنیوی نیست بل که هدف فراتر از آن که سعادت اخروی باشد نیز مورد اهتمام است. (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۲۷)

ابعاد همزیستی مسالمت‌آمیز

۱. همزیستی مسالمت‌آمیز در اندیشه: این بُعد از ابعاد همزیستی مسالمت‌آمیز اشاره به این دارد که همه انسان‌ها مخلوق خداوند است و از حق حیات و کرامت انسانی برخوردار است: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (الاسراء: ۷۰).

و البته اولاد آدم را گرامی داشته و اکرام نمودیم و آنان را در خشکی و بحر برداشتیم و به آنان از چیزهای پاکیزه روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خویش برتری آشکار دادیم» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۲۸۹) این ساحه از همزیستی مسالمت‌آمیز شامل غیر متدینان نیز می‌گردد چون آن‌ها نیز در خلقت با دیگران شریک‌اند.

۲. همزیستی مسالمت‌آمیز در گفتار : همزیستی مسالمت‌آمیز در گفتار به این معناست که گفتگو و جدال احسن، روابط کلامی نیکو، استدلال و برهان بین افراد و گروه‌های متفاوت حاکم باشد. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم می‌فرماید: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَبَدَنِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ» یعنی مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند، و مهاجر کسی است که آن‌چه را خدا حرام کرده است ترک کند. (البخاری، ۱۴۲۲ق: ۱/۱۳ حدیث ۹)

در اسلام از گفت‌وگوهای غیرمنطقی و غیر مستدل نهی شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الاحزاب: ۷۰) ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله بترسید و سخن حق و راست بگویید» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۴۲۸) زبان در اسلام وسیله افهام و تفهیم است، وجود اقوام و قبایل وسیله شناخت است نه باعث اختلاف، امروزه دشمنان دین از زبان و نژاد به عنوان وسیله ی اختلاف و شقاق بین مسلمین استفاده می‌نمایند. گفت‌وگوی احسن می‌تواند باعث رفع سوء تفاهات شده و زمینه هم‌دلی را فراهم کند مشروط به این که متصفانه و از روی استدلال باشد نه از روی مجادله و مغالطه که در قرآن یکی از اهداف شیطان محسوب شده است: ﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ (الانعام: ۱۲۱) «بی‌گمان شیاطین به دوستان خود القا می‌کنند تا با شما مجادله کنند، اگر از ایشان اطاعت کنید، یقیناً شما هم مشرک می‌شوید» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۱۴۴).

۳. همزیستی مسالمت‌آمیز در عمل: همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحه عمل دارای ابعاد گوناگون است و شامل افعال و ترک افعال می‌گردد که نقش مستقیم در نهادینه شدن همزیستی مسالمت‌آمیز دارد، مثلاً ترک تعصب و تطبیق عدالت باعث می‌گردد که خشونت از جامعه زدوده شود، در حدیث از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌خوانیم: «لیس منا من دعا الی عصبیة، و لیس منا من قاتل علی عصبیة، و لیس منا من مات علی عصبیة» (سجستانی، ب: ۲ / ۱۰۵ حدیث ۵۱۲۳) کسی که مردم را دعوت به تعصب کند از ما نیست، و کسی که به خاطر تعصب بجنگد از ما نیست، و

کسی که با تعصب بمیرد از ما نیست. تعصب است که باعث دوری گروه‌ها و افراد از هم‌دیگر می‌شود، در مقابل انجام اعمال که باعث استواری این رابطه می‌گردد تحت همزیستی مسالمت‌آمیز در عمل، داخل می‌گردد. دوستی با دوستان الله جل جلاله را می‌توان مصداق اعمال دانست که رابطه‌ای همزیستی را محکم و دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند. بیداری اسلامی و خرد جمعی از مصادیق دیگر همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحة عمل محسوب می‌گردد. از این رو در هر جامعه که بیداری اسلامی نباشد دشمن به اشکال گوناگون رخنه کرده و همزیستی مسالمت‌آمیز را تبدیل به یک زیست پر از خشونت می‌نماید. امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق بارز اعمال نیک است که باعث هم‌دلی و دوری از خشونت می‌شود: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾. (آل عمران: ۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که برای (نفع مردم آفریده شده اید مردم را به کارهای نیک امر می‌کنید، و از کارهای بد (وناچار) منع می‌کنید، و به الله ایمان دارید) (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۶۵).

مواع همزیستی مسالمت‌آمیز

۱. **افراط‌گرایی:** افراط‌گرایی مانع جدی در برابر همزیستی مسالمت‌آمیز به حساب می‌آید و باید دانست که افراط‌گرایی از کلمات پرکاربرد و در عین حال مبهم است که از آن نه تنها تعاریف گوناگون صورت گرفته بل که وسیله‌ی برای تضعیف رقبای سیاسی، مذهبی و ... صورت گرفته است (ویلکاکی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

افراط‌گرایی دارای مصادیق زیاد است که می‌توان افراط‌گرایی سیاسی و مذهبی را از مصادیق بارز آن دانست، راجر اسکروتن افراط‌گرایی را در اندیشه سیاسی این‌گونه توضیح می‌دهد: اصطلاحی مبهم که موارد ذیل را در خود جای داده است:

۱. اندیشه سیاسی را به حد افراط رساندن، به هدف درهم شکستن مخالفان.
۲. عدم روا داری نسبت به دیدگاه‌های مخالف.

۳. توسل به هر نوع وسایل برای رسیدن به اهداف و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران. (ویلکاکی، ۱۳۸۲: ۱۰۶) افراط‌گرایی به اشکال گوناگون از جوامع انسانی قربانی می‌گیرد. در کنار افراط‌گرایی سیاسی، افراط‌گرایی مذهبی به‌طور خاص در کشورهای اسلامی در طول تاریخ قربانی‌های فراوان گرفته است. باید دانست که مفهوم افراط‌گرایی مذهبی نیز از ابهام برخوردار

است و گاهی وسیله سرکوب جریان‌های آزادی‌خواه و مدافع حق نیز گردیده است که نمونه‌های آن را در برخورد جهان غرب در کشور خود ما نیز شاهد بودیم، به‌هرحال افراط‌گرایی مذهبی در کشورهای مانند عراق، سوریه، پاکستان و... همیشه به اشکال گوناگون وحدت امت مسلمه را هدف گرفته است. (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

یوسف قرضاوی افراط‌گرایی مذهبی را جمود بر درک خویشتن دانسته که سبب نادیده گرفتن مصالح خلق، مقاصد شریعت گردیده و دریچه گفتگو و تضارب افکار را مسدود می‌کند. از نظر قرضاوی ممیزه‌های مهم افراط‌گرایی مذهبی عبارت است از تعصب رأی، عدم توجه به آرای دیگران، الزام مردم به آن‌چه خداوند به آن الزام نکرده است، اعمال سخت‌گیری‌های ناروا، سوء ظن و تکفیر مسلمانان. (قرضاوی، ۱۴۰۲: ۳۹) خشونت: ویژگی بارز افراط‌گرایی دینی و مذهبی است که هدف از آن صدمه رساندن و تحمیل باورهای خویش به دیگران است. (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۴) در مجموع می‌توان گفت خشونت مذهبی نوع تفکر و رفتار است که بر انحصار حقانیت مذهب خاص تأکید دارد و دیگران را به نحوی انحرافی و بیرون از دایره اسلام می‌پندارد.

افراط‌گرایی مذهبی با همزیستی مسالمت‌آمیز منافات دارد چنان‌چه نمونه آن بروز داعش به‌عنوان یک گروه تندرو همیشه رفتارهای خشن و نفرت‌زا داشته است. تداوم جنگ و خشونت از سوی گروه‌های افراطی مذهبی بیان‌گر نوع نگاه آنان به قدرت است که از این طریق می‌خواهند قدرت خویش را حفظ کنند. (بختیار علی، ۱۳۹۴: ۲۵)

۲. **تعصب:** ریشه تعصب به عصب برمی‌گردد که در زبان عربی به رشته‌های گفته می‌شود که گوشت و استخوان را در بدن پیوند می‌دهد. در لغت عبارت است از طرفداری و دوستی و یا دشمنی بیش‌ازحد نسبت به شخص یا گروه و یا چیزی دیگری است. (مصطفی: ب ت: ۶۰۳/۲) و در اصطلاح عبارت است از «عدم قبول الحق عند ظهور الدلیل او ارتباط الشخص بفکر او جماعة و الانغلاق علی مبادئها و قد یکون التعصب تعصبا دینیا او مذهبیا او سیاسیا او طائفیا او عنصریا، و هو سلوک خطیر قد ینحدر نحو الاسوأ ثم یؤدی الی التطرف و الهلاک» (عمر، ۱۴۲۹/۱۵۰) تعصب به گونه‌های مختلف تقسیم می‌گردد که عمده‌ترین آن‌ها تعصب مذهبی، لسانی، گروهی، جنسیتی است. تعصب از این جهت مانع همزیستی مسالمت‌آمیز می‌گردد که فرد متعصب دارای تکبر و خودبینی است که مانع از دیدن حق می‌گردد به همین لحاظ افراد متعصب عرصه‌ای همزیستی را بر دیگران تنگ نموده و گاهی از خشونت نیز استفاده می‌کند. نتیجه عمده تعصب انحراف از عدالت است، هرگاه در جامعه عدالت نباشد همزیستی مسالمت‌آمیز نیز وجود ندارد. (طبرسی، ب ت: ۲۰۹/۹)

۳. **ذهن بیمار و رذایل اخلاقی:** دین مبین اسلام سوء ظن را در تمام مراحل زندگانی (از جهان‌بینی تا اخلاق فردی) مذموم دانسته و حسن ظن را از نظر اخلاقی شایسته می‌داند، (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۸۲) در بسا موارد این پدیده مذموم باعث ایجاد خشونت شده و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان را هدف گرفته است، افراد تندرو به اندک بهانه مردم را به گناه و خطا محکوم نموده و همیشه درصدد عیب‌جویی افراد و گروه‌ها است. قرآن کریم سوء ظن بی‌مورد را مصداق اثم دانسته است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾ (الحجرات: ۱۲).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید، چون بعضی از گمان‌ها گناه می‌باشد» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۵۱۸) ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل نموده که فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» (بخاری، ۱۴۲۲ق: ۲۷۶/۱۵) حدیث (۶۰۶۴)

افراط‌گرایان همیشه احتمال شر را بر احتمال خیر ترجیح داده درحالی که در فرهنگ دینی حمل فعل مسلم بر صحت یک دستور اخلاقی و فقهی است افراط‌گرایان در اتهام زنی آن‌قدر افراط می‌کنند حتی شخصیت‌های صدر اسلام و شخص امام ابوحنیفه نیز از این اتهام مصون نمانده است. (قرضای، ۱۴۰۲: ۴۹) اخلاق اسلامی انسان را از رذایل اخلاقی به دور نگه‌داشته و ترغیب به کسب فضایل اخلاقی می‌نماید، رذایل اخلاقی مانع بزرگ در برابر همزیستی مسالمت‌آمیز است که همواره جوامع انسانی را هدف گرفته است. پیروی از نفس اماره و داشتن صفات رذیله مانند ریا، تکبر، نمایی، غیبت و... مانند حجابی است در برابر روشنایی معنوی در جامعه، به همین لحاظ درک مفاهیم ارزشی اخلاقی و تقویت آن در همزیستی مسالمت‌آمیز نقش مهم دارد. (محسنی، ۱۳۸۷: ۲۷)

۴. **تکفیر:** آخرین سلاح که همزیستی مسالمت‌آمیز را هدف می‌گیرد تکفیر است، تاریخ پیدایش تکفیر به زمان صدر اسلام و دوره خلافت علی رضی الله تعالی عنه برمی‌گردد که با ظهور خوارج شروع گردید و مصیبت‌های زیاد و بی‌شماری را در جامعه اسلامی به باور آوردند. (سید زاده، ۱۳۹۳: ۲۷)

مبانی همزیستی مسالمت‌آمیز

۱. **توحید و یگانگی آفریدگار:** توحید در صدر آموزه‌های ادیان الهی قرار دارد، توحید در دین مقدس اسلام از اهمیت خاص برخوردار است به گونه‌ای که اولین دعوت پیامبر صلی الله علیه و

سلم پذیرش توحید بوده است. (بیهقی، ۱۴۲۴ق: ۳۶۱) در جهان‌بینی اسلامی همه انسان‌ها آفریده خداوند واحد است و سرانجام به‌سوی او بازمی‌گردد: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (البقره: ۱۵۶) «یقیناً ما از الله ایم و به حکم او آمده ایم و ما به سوی او بازمی‌گردیم» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۲۵) اعتقاد به آفریدگار واحد و بندگی خدای واحد انسان‌ها را به سمت وحدت و هم‌دلی و همزیستی مسالمت‌آمیز سوق می‌دهد، زیرا انسان‌ها با هر رنگ و پوست و نژادی که باشند بالاخره به‌سوی مرجع واحد رجوع می‌کنند. بین مبدأ و انتها که همان زیست‌دنیایی باشد بایستی از آرامش، آسایش و احترام به حقوق همدیگر، از همزیستی همسان برخوردار باشند. (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۹۶/۳) اندیشه‌ای توحیدی تقاضای نمایندگی مسائلی فرعی که مورد اختلاف واقع شده است، نباید اصل و اساس اسلام و کیان مسلمانان را ضعیف نماید بل که با تمسک به جبل‌المتین و ورود به همزیستی مسالمت‌آمیز از تفرق دوری نماید. (جناتی، ۱۶: ۱۳۸۱) از دیدگاه اسلام در جهان فقط یک جهان‌بینی حاکم است و آن جهان‌بینی توحیدی است و این که جهان یک مدبر دارد: ﴿قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ﴾ (آل‌عمران: ۱۵۴) «بگو: البته همه کار و اختیار به دست الله است، در دل‌های خود چیزی را می‌پوشانند که آنرا به تو اظهار نمی‌کنند» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۷۱) بر این اساس وحدانیت آفریدگار و حاکمیت نظام واحد در عالم مبنای همزیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌گیرد، همسوی و هماهنگی نظام تشریح و تکوین مقتضای وحدت رویه با مخالفان در عرصه‌ای عمل و همزیستی اجتماعی است.

۲. صیانت از کیان دین و قرآن: دین اسلام یک دین جامع و ابدی است و تا قیامت ماندگار است، با ظهور دین اسلام سایر ادیان منسوخ و غیرقابل عمل است، باآنکه حفظ دین و قرآن از سوی خداوند تضمین شده است مسلمانان نیز به سهم خویش باید بکوشد از حریم اسلام دفاع کند. ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (الحجر: ۹).

«بی‌گمان ما خود قرآن را نازل کرده ایم لذا ما خود نگهدارنده آن هستیم» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۲۶۲). دفاع از دین، حفظ دین و قرآن از ضروریات دین محسوب می‌گردد. نتیجه حمایت از دین، وحدت امت مسلمه است تا در سایه این اتحاد در برابر دشمنان دین ایستادگی نمود. تعامل مثبت، گفتگوی کلامی نیکو در حمایت از دین نقش مؤثر دارد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای تبلیغ هر چه بهتر دین همواره از اخلاق و روش نیک و برخورد سازنده با مخالفان تأکید داشتند: ﴿فَبِمَا

رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ فَظًّا غَلِيظًا لَأَنْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ﴿آل عمران: ۱۵۹﴾.

«پس به سبب رحمت الله است که در مقابل آن‌ها نرمی کردی، و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، حتماً (مسلمانان از اطراف تو دور می‌شوند، پس آن‌ها را در مورد حق خود) عفو کن و برای آن‌ها در باره حق الله (مغفرت بخواه و در کارها با آنان مشورت کن)» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۷۲) اهمیت این امر در زمان حاضر که دشمنان اسلام از هر هجمه علیه اسلام و مسلمانان استفاده می‌کنند روشن‌تر می‌گردد.

۳. کرامت انسانی: انسان از دید قرآن کریم خلیفه الهی در روی زمین است: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾. (البقره: ۳۰) «و یادآور شو وقتی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی قرار می‌دهم» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۷) رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز نشان می‌دهد که حفظ کرامت انسانی و آزاد کردن انسان‌ها از زنجیر اسارت و ذلت و رسیدن به کمال کرامت انسانی از اهداف عمده رسالت ایشان بوده است، این سیره نشان می‌دهد که در جامعه‌ای جاهلی عرب، فضایل و کرامت انسانی به کوتاه‌ترین مدت زمان، ظهور و شکوفای پیدا نمود. جعفر بن ابی طالب از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پادشاه حبشه از این کرامت و فضیلت این‌گونه تعریف می‌نماید «ما گروهی نادان و بت‌پرست بودیم، از میته اجتناب نمی‌کردیم، همواره به دنبال آلودگی‌ها بودیم، همسایه نزد ما محترم نبود، ضعیف پایمال زورمندان بود... تا این‌که یک نفر از میان ما که سابقه‌ای نیکو و درستکاری داشت برخاست و با وحی الهی ما را دعوت به توحید نمود و دستور داد که امانت را به صاحبش رد نمایم...» (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸۰)

نهی از مثلثه کردن کشته‌شدگان جنگ بدر دلیل روشن بر کرامت انسانی است. (واقعی، ب: ۱۰۷/۱) کرامت انسانی که از آن به کرامت ذاتی نیز تعبیر می‌گردد شامل کرامت انسانی مشرکان، کافران و فاسقان نیز می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۲۱۴) فضیلت و برتری یا کرامت اکتسابی بر مبنای تقوا و پرهیزگاری است که در قرآن بیان شده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (الحجرات: ۱۳).

«ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را

بشناسید. بی گمان گرامی ترین شما نزد الله باتقواترین شماست. همانا الله دانای باخیر است» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق:۵۱۸)

۴. اصل عدالت: عدالت از اصول مهم و بنیادی در دین مقدس اسلام محسوب می‌گردد، عدالت به‌عنوان قانون عام و کلی مبنای هر رفتار و قانونی در جامعه قرار می‌گیرد، عدالت مقدم بر جود و احسان است چه این که جود و احسان یک امر عارضی و استثنایی بوده و معیار وضع قوانین قرار نمی‌گیرد اما عدالت به‌عنوان اصل عام و کلی معیار وضع مقررات و قواعد اجتماعی واقع می‌شود (دشتی، ۱۳۷۸:۵۲۶) عدالت مقیاس همه اصول قرار می‌گیرد به گونه‌ی هر اصلی که با عدالت در تعارض باشد از اعتبار ساقط است، به همین صورت عدالت معیار اصل همزیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌گیرد، در جامعه که عدالت حاکم باشد بهانه برای خشونت باقی نمی‌ماند.

آراء کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله: از امام ابوحنیفه رحمه الله همان گونه آراء فقهی زیادی به یادگار مانده است، آراء کلامی راه گشاه به جامعه تقدیم شده است و امام ابوحنیفه رحمه الله از دانش کلام به عنوان فقه اکبر یاد نموده است.

الف) عدم تکفیر اهل قبله: تاریخ پیدایش تکفیر به خوارج بر می‌گردد که از زمان خلافت علی رضی الله تعالی عنه و معاویه رضی الله تعالی عنه به‌عنوان یک گروه تندرو و تکفیری ظاهر شد، آنان حکمیت بین علی و معاویه رضی الله عنهما را گناه کبیره پنداشته و کسانی را که از این به اصطلاح گناه توبه نمی‌کرد کافر می‌دانستند. مناظرات امام ابوحنیفه رحمه الله با سران خوارج بیان‌گر قاطعیت امام ابوحنیفه رحمه الله در برخورد با این جریان انحرافی است (العسقلانی، ب ت: ۴۷)

تکفیر از ماده کفر به ضم کاف ضد ایمان است و درس لغت به معنای پوشاندن آمده است. (الزبیدی، ب ت: ۵۰/۱۴) به همین جهت بر دهقان کافر گفته می‌شود چون تخم‌ها را در زمین پنهان می‌کند.

تکفیر یعنی گواهی دادن به کفرورزی فرد یا گروهی است که در ظاهر مسلمان محسوب می‌گردد، یا به عبارت دیگر کافر پنداشتن کسی که بالفعل از زمره مسلمانان محسوب می‌گردد. (اسفراینی، ۱۹۸۳م: ۳۵) بناء تکفیر: کسی را به کفر نسبت دادن و کافر شمردن بر اساس ضوابط تعیین شده تکفیر است.

ضوابط تکفیر

۱. شرعی بودن تکفیر: تکفیر یک امر شرعی است که فقط با معیارهای شرعی می‌توان کسی را تکفیر کرد، در این امر عقل و قوانین وضعی بشری نقش ندارد. دلایل تکفیر باید روشن، صریح

و بدون شبهه باشد و در صدور تکفیر نباید از عجله و متابعت از هوا و هوس کار گرفت و مجرد مخالفت آراء و نظریات باعث تکفیر نمی‌گردد (ابن تیمیه، ب ت: ۴۹۲/۲)

۲. انکار وجود الله جل جلاله، صفات الله جل جلاله و انکار ضروریات دینی:
 موارد چون انکار وجود الله و صفات کمالی و جلالی او مانند خالقیت، رازقیت، ربوبیت و الوهیت، انکار نبوت یکی از انبیاء علیهم الصلاه و السلام و امور ضروری دینی مانند انکار قیامت، پرداخت ذکات، بدون شک موجب کفر می‌گردد انس ابن مالک نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مَنْ صَلَّى صَلَاتَنَا، وَاسْتَقْبَلَ قِبْلَتَنَا، وَأَكَلَ ذَيْحَتَنَا، فَذَلِكَ الْمَسْلُومُ الَّذِي لَهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَذِمَّةُ رَسُولِهِ، فَلَا تُخْفَرُوا اللَّهَ فِي ذِمَّتِهِ (البخاری ۱۴۲۲ق: ۴۰۲/۱ حدیث ۳۹۱)

۳. عدم تکفیر به ارتکاب معاصی: از نظر امام ابوحنیفه رحمه الله انجام گناهان ولو کبیره باشد تا وقتی که کسی آن گناه را حلال نشمارد، باعث کفر مرتکب آن نمی‌گردد. (سید زاده، ۱۳۹۳: ۹۷)
 ابن کثیر ذیل آیه: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغَى حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾. (الحجرات: ۹-۱۰) .

«و اگر دو گروه از مؤمنان به جنگ با یک یگر پرداختند بین آن دو گروه آشتی و صلح برقرار کنید، پس اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کرد با آن گروهی که تجاوز می‌کند بجنگید تا این که به حکم الله بر گردد، پس چون بازگشت در میان ایشان عادلانه صلح برقرار سازید و عدال و انصاف کنید، بی گمان الله عادلان را دوست دارد. جز این نیست که مؤمنان با یکدیگر برادرانند، پس در میان برادران تان صلح و آشتی را برقرار کنید. و از الله بترسید تا مورد رحمت قرار گیرید» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۵۱۶) استدلال می‌کند که در این آیه باوجود قتال بین مؤمنین باهم به آنان اهل ایمان خطاب شده است. (ابن کثیر، ۱۴۲۰ق: ۳۷۴/۷) اگر گناه کبیره باعث خروج از دین می‌شد نباید در این آیه هردو گروه مؤمن خطاب می‌شدند.

۴. تفکیک بین فعل تکفیری و تکفیر فاعل: انجام فعل کفر دلالت بر کفر فاعل آن نمی‌کند چون انجام فعل اعم است از این که فاعل و مرتکب عالم بوده یا جاهل، با اختیار انجام داده یا به واسطه اکراه، که در صورت جهل و اکراه معذور پنداشته می‌شود: ﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ عَذَابٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾. (النحل: ۱۰۶)

«کسی که به وحدانیت الله بعد از ایمان آوردن خود کافر شود، مگر آن کس که (به کفر گویی) مجبور شده ولی قلبش به ایمان آرام و استوار است. ولی کسی که به کفر سینه گشاده کند، پس غضبی از طرف الله بر آنان است. و برایشان عذاب بزرگ خواهد بود» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۲۸۰)

﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَا كُنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾. (الاحزاب: ۵) «بر شما در آنچه [از اتساب‌هایی] که به خطا انجام داده‌اید، گناهی نیست؛ ولی آنچه را که دل‌هایتان تعمد و قصد جدی داشته است [گناه است]؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است» (بدخشانی، ۱۴۳۹ق: ۴۱۹) تکفیر از این جهت با همزیستی مسالمت‌آمیز در تضاد با همزیستی مسالمت‌آمیز قرار دارد که در نزد اهل تکفیر امنیت جانی و مالی گروه مخالف ارزش و اهمیت ندارد و اهل تکفیر اقامتگاه گروه مخالف را دارالکفر پنداشته و همواره به تفتیش از عقاید مخالفان می‌پردازند. امام ابوحنیفه رحمه الله گناه کاران امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تکفیر نمی‌کند بل که به مشیت الهی تعلق می‌گیرد (الهی بلندشهری، ۱۳۹۴: ۲۷)

امام ابوحنیفه به این نظر است که گناه کاران که بدون توبه بمیرد مخلد در آتش نیست (ابوحنیفه، ۱۳۱۶: ۱۱)

ب) دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله در مورد ایمان

در زمان امام ابوحنیفه رحمه الله دیدگاه‌های متفاوت نسبت به تعریف ایمان وجود داشت یک دیدگاه این بود که ایمان را مشتمل بر اقرار، تصدیق و عمل می‌دانستند. به همین اساس خوارج و معتزله صرف انجام گناه کبیره را موجب خروج از دین می‌دانستند با این تفاوت که معتزله انجام گناه کبیره را موجب ورود به کفر نمی‌دانند و خوارج انجام گناه کبیره را موجب ورود به کفر می‌دانند و دیگری دیدگاه مرجئه بود که انجام هر نوع گناه را مغایر با ایمان نمی‌دانستند، این دو دیدگاه در واقع در دو جانب افراط و تفریط بود که هر دو زیان‌های خودش را برای جامعه داشت. امام ابوحنیفه رحمه الله دیدگاه متفاوت‌تر با دیگران در تعریف ایمان دارد، امام اعظم رحمه الله ایمان را بر دو چیز استوار می‌داند یکی باور قلبی و دیگر اقرار زبانی، اما عمل را جزء ایمان نمی‌داند به این استدلال که عمل داخل در ماهیت ایمان نیست اگرچه در هیچ زمانی عمل از انسان مؤمن برداشته نمی‌شد با آنکه در شریعت اسلامی بعضی موارد عمل از انسان مؤمن برداشته شده است مانند زن حائض که در ایام حیض نماز و روزه از او برداشته شده است. (سید زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۶) نتیجه عمل در سرای آخرت برای انسان مؤمن نتیجه دارد. از نظر امام ابوحنیفه رحمه الله تنها یک گناه هست که قابل عفو نیست و آن شرک است، اما سایر معصیت‌ها تحت مشیت الهی قرار می‌گیرد. (ابوحنیفه، ب ت: ۵۷۸)

ج) دیدگاه امام ابوحنیفه در مورد وعده و وعید، خوف و رجا: خوارج، معتزله و مرجئه از جریان‌های کلامی معاصر امام ابوحنیفه رحمه الله در قسمت وعده و وعید نیز دچار افراط و تفریط شده‌اند چنان‌چه خوارج وعید را برجسته ساخته و مرتکب گناه کبیره را از دایره ایمان خارج می‌داند، معتزله مرتکب گناه کبیره را از ایمان خارج ولی داخل در کفر نمی‌داند که از آن به منزله بین المنزلتین تعبیر می‌کنند، مرجئه جانب وعده را برجسته ساخته و معتقدند که تمام گناهان مورد عفو قرار گرفته و حسنات انسان‌ها قبول می‌گردد. در این میان امام ابوحنیفه رحمه الله راه اعتدال را در پیش گرفته و مسئله خوف و رجا را مطرح می‌کند، امام ابوحنیفه رحمه الله می‌گوید ما نمی‌گوییم که معصیت به حال مؤمن ضرر ندارد و نمی‌گوییم که گناه کار به جهنم نخواهد رفت، و معتقد نیستیم که عاصی برای ابد در جهنم باقی می‌ماند و معتقد نیستیم که اعمال حسنه ما مقبول و گناهان ما مورد عفو قرار می‌گیرد بل که اعتقاد ما این است که هر انسانی که اعمال صالح انجام دهد و تا آخر از آن مواظبت کرده و توسط شرک و کفر آن را حبط نکند مورد رحمت الهی قرار خواهد گرفت و مؤمن معصیت کار به مشیت الهی تعلق دارد که یا عفو می‌شود یا مجازات می‌گردد. امام ابوحنیفه رحمه الله در این قسمت بیان می‌دارد که ما امید داریم که خداوند اعمال حسنه ما را قبول کند که رستگاری را به دنبال دارد و خوف داریم که قبول نکند و در نتیجه عذاب شویم (سید زاده، ۱۸۷: ۱۳۹۳) افراط و تفریط در جانب وعده و وعید نیز با همزیستی مسالمت‌آمیز منافات دارد، زیرا کسانی که مانند خوارج در جانب وعید افراط کرده‌اند مرتکب گناه کبیره را از دایره دین خارج می‌داند و گروهی که جانب وعده را رجحان داده‌اند نیز در واکنش به آنان که آسایش و آرامش اجتماعی را مختل می‌نماید کدام واکنش ندارد، حتی ممکن است مورد سوء استفاده سیاسی نیز قرار بگیرد، چون نوع بینش هر انسان در نحوه عمل کرد او نسبت به اجتماع تفاوت می‌کند. با توجه به پیشینه‌ی تحقیق، مشخص می‌شود که اگرچه آثار متعددی پیرامون الگوهای همزیستی مسالمت‌آمیز و نیز در مورد اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله نوشته شده است، اما هیچ تحقیقی به صورت خاص به ارتباط این اندیشه‌ها با همزیستی مسالمت‌آمیز پرداخته است. تحقیقات موجود اغلب کلی هستند و یا به موضوعات خاص دیگری متمرکز شده‌اند. در تحقیق حاضر به تبیین همزیستی مسالمت‌آمیز با محوریت اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله پرداخته شده است که در هیچ یک از تحقیقات دیگران پرداخته نشده است، تفاوت دیگر این تحقیق با دیگر تحقیقات در این است که در این تحقیق به دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله در مورد وعده و وعید الهی و مساله خوف و رجا نیز به عنوان مسائل که ارتباط به همزیستی مسالمت‌آمیز دارد پرداخته شده است چیزی که در تحقیقات اکثر محققین از آن غفلت شده است، اکثر محققین در مورد

همزیستی مسالمت آمیز تنها به دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله در مورد عدم تکفیر اهل قبله اکتفا کرده اند.

نتیجه‌گیری

در اسلام اصل و اساس بر همزیستی مسالمت‌آمیز است، خشونت، جنگ و نفرت زائده عوامل خارجی چون تعصب، رذایل اخلاقی، افراط در امور دینی و تکفیر است، همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام مبتنی بر اصول اساسی است که بنیان‌های همزیستی مسالمت‌آمیز را تشکیل می‌دهد. اصل توحید، کرامت انسانی، تأمین عدالت، کرامت انسانی و حفاظت از کیان دین، از جمله اصول اساسی همزیستی مسالمت‌آمیز محسوب شده که جامعه اسلامی را به یک جامعه متحد، عاری از خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز رهنمایی می‌کند.

با توجه به اهمیت اصل هم‌پذیری در اسلام و حفظ کیان دین، خصوصاً در اوضاع و احوال که بقای جامعه مرهون همبستگی اجتماعی با قطع نظر از باورها و اندیشه‌ها است، اهمیت همزیستی مسالمت‌آمیز بیش از پیش آشکار می‌گردد. افراط و خشونت در جامعه باعث تضعیف جامعه اسلامی و نظام‌های اسلامی شده و زمینه را برای مداخلات دشمنان اسلام فراهم می‌کند. به تناسب نفوذ گسترده افکار کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله در جهان اسلام و خصوصاً در افغانستان، ایجاب می‌کند از این اندیشه‌ها استفاده بهینه صورت گیرد، با توجه به اندیشه‌های کلامی امام اعظم ابوحنیفه می‌توان دریافت که آراء کلامی ایشان کاملاً در راستای تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز هم‌سو است. امام ابوحنیفه رحمه الله هم در اندیشه یک اندیشمند اعتدال‌گرا بوده، هم در ساحت عمل با مخالفین خویش روش و تعامل نیک داشته و در ساحت گفتار نیز روابط کلامی نیکوی امام آشکار است. امام ابوحنیفه رحمه الله نه تنها در ساحت اندیشه کلامی به همزیستی مسالمت‌آمیز اهتمام داشته بل که این اندیشه در عرصه فتوی نیز تبارز نموده است که نمونه بارز آن فتوی به قصاص قاتل ذمی را می‌توان نام برد. وصایای امام ابوحنیفه نسخه بارز از اهتمام امام ابوحنیفه رحمه الله به همزیستی مسالمت‌آمیز است. بارزترین مصداق‌های آراء کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله که نقش مؤثر در نهادینه شدن همزیستی مسالمت‌آمیز دارد عبارت‌اند از

۱. عدم تکفیر اهل قبله که با تعبیر لانکفر اهل الکبائر در واقع دروازه تکفیر را بسته است.
۲. تعریف و دایره شمولیت ایمان، که امام با تبیین عدم دخالت عمل در ایمان، ایمان را دارای دو عنصر اساسی اقرار زبانی و تصدیق قلبی می‌داند.
۳. اعتدال و میانه‌گزینی در وعده و وعید الهی که امام اعظم رحمه الله با تبیین درست از وعده، نه آن را ضامن مغفرت تمام اعمال سیئه می‌داند و نه وعید را عامل یأس و ناامیدی از رحمت الهی می‌داند، تا بر اساس آن خشونت‌ها، توجیه اعمال ظالمانه ترویج و عدم حمایت‌ها از مظلوم زمینه را

برای خشونت‌ها، جنگ‌ها و نفرت‌ها فراهم نماید. بر اساس تبیین معتدلانه از این مفاهیم به دست می‌آید که همزیستی مسالمت‌آمیز در اندیشه کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله از جایگاه والای برخوردار بوده و ایجاب می‌نماید که جامعه اسلامی از این اندیشه استفاده بهینه نماید.

پیشنهادها

با توجه به گستره ی اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله در جهان اسلام و به طور خاص در افغانستان، ایجاب می‌نماید که موارد ذیل را برای نهادینه شدن اندیشه‌های کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله در جامعه پیشنهاد گردد:

۱. اندیشه‌های معتدلانه امام ابوحنیفه رحمه الله در نصاب تعلیمی و تحصیلی برمعارف و تحصیلات عالی جسته گردد.
۲. سمینارهای علمی در سطح کشور برای نهادینه شدن اندیشه اعتدالی امام ابوحنیفه رحمه الله برگزار گردد.
۳. از اندیشه‌های امام ابوحنیفه رحمه الله در جهت تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز و تقریب پیروان مذاهب استفاده گردد.

منابع

قرآن کریم

- ابن اثیر، علی بن اکرم. (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، ج ۲. بیروت: دار-صادر بیروت
- ابن تیمیه، محمد. (ب ت) الرد علی البکری- تلخیص کتاب الاستغاثه. ریاض: دارالمنهاج.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۲۰ ق) تفسیر القرآن العظیم. دارطیبه.
- ابوحنیفه، نعمان بن ثابت. (ب ت) مسند امام اعظم، مصحح: سندی، محمدعابد
- ابوحنیفه، نعمان بن ثابت، (ب ت) العالم و المتعلم. تصحیح: محمد زاهد کوثری، حیدرآباد: دارالمعارف عثمانیه.
- اسفراینی، طاهر بن محمد. (۱۹۸۳ م) التبصیر فی الدین و تمیز الفرقة الناجیه عن الفرق الهالکین، بیروت: عالم الکتاب.
- الاصفهانى، محمد حسن بن فورک. (۱۴۲۷ ق) مقالات الاشعری. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۷) دانش نامه سیاسی. تهران: نشر مروارید.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق) صحیح البخاری. بیروت: دارطوق النجاة
- بختیار، علی. (۱۳۹۴)، داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی، مترجم: سردار محمدی، تهران: نشر مرکز.
- بدخشانی، محمد انور. (۱۴۳۹ق) ترجمه قرآن کریم. ریاض: مجمع ملک فهد.
- بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵) فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی..
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۴۲۴ ق) السنن الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جمالی، جواد. (۱۳۹۰) «مدل تئوریک تحلیل افراط‌گرایی با کاربست نظریه سازه انگاری»، فصل نامه آفاق امنیت، شماره ۱۲
- جناتی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۱) همبستگی مذاهب اسلامی. قم: انصاریان.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۸) ترجمه نهج البلاغه به زبان فارسی. قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۷) لغت نامه دهخدا. تهران: پوهنتون تهران.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. (ب ت) سیر اعلام النبلاء. کتابخانه دیجیتل نور.
- الزبیدی، محمد مرتضی (ب ت) تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه.
- سجستانی، ابی داود، سلیمان بن اشعث. (ب ت)، کتاب السنن. بیروت: دارالفکر.
- سیاح، احمد. (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ نوین. تهران: انتشارات اسلام.

- سیدزاده، عبدالحکیم. (۱۳۹۳) الشرح الایسر ترجمه و شرح الفقه الاکبر. تربت جام: شیخ الاسلام احمدجام.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸) المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۷) مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- العسقلانی، ابوالحسین الملطی. (ب ت) التنبيه و الرد علی اهل الهواء و البدع. مصر: المكتبة الازهریه للتراث.
- عمر، احمد بن مختار. (۱۴۲۹) معجم اللغة العربیه المعاصره. قاهره: عالم الکتب.
- قرضاوی، یوسف. (۱۴۰۲ ق)، الصحوة الاسلامیه بین الجمود و التطرف. قطر: ریاست دادگاه‌های شرعی و امور دینی.
- محسنی، محمدآصف. (۱۳۸۷) روش جدید اخلاق اسلامی. کابل: مؤسسه علمی و فرهنگی خاتم النبیین (ص).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۳)، معارف قرآن. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مصطفی، ابراهیم و دیگران. (ب ت) المعجم الوسیط. تحقیق: مجمع اللغة العربیه. دارالدعوه ویلکاک، لیرد. (۱۳۸۲)، «افراط‌گرایی سیاسی چیست؟»، مترجم، فیروزه مهاجر، کتاب توسعه، شماره ۱۴.
- الهی بلندشهری، مفتی محمدعاشق. (۱۳۹۴) وصایای امام ابوحنیفه رحمه الله. مترجم: عبدالله حیدری، چاپ اول دیجیتال.